

تئاتر

مارکس روی صحنه، در فرانسه

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۶

ایوان موران Yvan Morane، بازیگر و کارگردان و مدیر تئاتر ملی آلبی در لاتانور (فرانسه) است. او اخیراً نمایشنامه «کارل مارکس و بازگشت او» اثر هوارد زین، سیاست شناس و مورخ و مبارز آمریکایی را روی صحنه آورده است.

انتشارات آگون (Agone) چندین اثر از هوارد زین Howard Zinn از جمله کتاب مشهور «تاریخ مردمی ایالات متحده» Une histoire populaire des Etats-Unis و «کارل مارکس و بازگشت او» که نمایشنامه ای ست تاریخی در یک پرده، منتشر کرده است. هوارد زین به اندازه دوستش نوآم چامسکی معروف نیست، اما خود، استاد تاریخ سیاسی ست و آثار مارکس را با قرائتی مبنی بر آنارشیزم (Libertaire) مطالعه کرده، از ۵۰ سال پیش تا کنون، در کلیه مبارزات ترقی خواهانه در ایالات متحده شرکت داشته است. وی با قلمی پرشور، این مبارزات را در کتاب «اتوبیوگرافی مبارزه جویانه» (انتشارات آگون) روایت کرده است. هوارد زین با نوشتن نمایشنامه «کارل مارکس و بازگشت او» ایده ای را که پی گرفته چنین شرح می دهد:

من این نمایشنامه را در دوره ای نوشتم که فروپاشی اتحاد شوروی... تقریباً نوعی شادمانی همگانی برانگیخته بود... مارکس به راستی مرده بود. لذا به نظرم رسید مهم است به روشنی نشان دهم که اتحاد شوروی و دیگر کشورهایی که با «مارکسیست» نامیدن خود رژیم های پلیسی برپا کرده بودند هیچکدام مظهر مفهوم سوسیالیسم نبوده اند.

ایوان موران، بازیگر و کارگردان، این نمایشنامه را روی صحنه برده است. اینک مصاحبه ای با او:

*** این متن نوشته هوارد زین را کجا یافتید و چگونه به دستتان رسید؟**

– ریشار ماسوتیه، مدیر تئاتر «کروا بلانش» آن را به من داد و پیشنهاد کرد که برای فستیوال ۲۰۰۵ آن را به صحنه بیاورم. تصادفاً در هواپیما، زمانی که به بوخارست (رومانی) می رفتم تا یک اپرا را در آنجا کارگردانی کنم، این نمایشنامه را خواندم. با خواندن چند صفحه، متن به دلم نشست و دیگر ادامه ندادم! باید بگویم که اجرای آن به نظرم ضروری رسید.

*** چرا ضروری؟**

– زیرا از نظر محتوا، استدلال کسانی که مارکس را «کاریکاتوری معرفی کرده» و او را رهبر فکری «دیکتاتوری های» کمونیستی نشان داده اند نقش بر آب می کند و از نظر شکل هم به نحوی درخشان، کاری تئاتری ست، چون پرسوناژ را شدیداً انسانی نمایش می دهد. در این متن از مارکس راززدایی شده است...

*** بازیگر و کارگردان برای آن که موفق شوند آن را نه یک متن گفتمانی، بلکه یک متن تئاتری کنند، با چه مسائلی مواجه اند؟**

- برای کارگردان مهم این است که کار حالت «کنفرانس» پیدا نکند: مارکس پشت یک میز با کتابهایش... (که در آمریکا به همین نحو اجرا شده و موفقیت بزرگی هم داشته). اما برای بازیگر، مشکل این است که به خود بقبولاند که نباید در نقش کسی ظاهر شود که دیگران دوستش دارند! این بود که من او را به صورت یک فرد بی خانمان شگفت انگیز، عصبی و پرمهر نشان داده ام، آنهم در یک فضا که آن را به سه بخش تقسیم کرده ام: در سوهو (محله فقیر نشین لندن)، در جاهای دیگر و بالاخره در وضع کنونی اجرای نمایش که تنها دکور نمایش یک نیمکت است.

* استقبال تماشاگران از نخستین اجرا چگونه بود؟

- بسیار عالی بود! تا کنون سه اجرا داشته ایم، سه موفقیت زیبا: اولی آفرینش یک اثر هنری برای شرکت کنندگان در فستیوال (۲۰۰۵)، دوم تکرار آن در پاییز همان سال در یک تئاتر با برنامه متعارف و عادی، و سوم در اول مه ۲۰۰۶ در مراسمی که اتحاد کمونیست های انقلابی (LCR) در شهر Bègle برپا کرده بود. برای من این اجرایی بود بسیار پراحساس.

* اجراهای آینده چه وقت خواهد بود؟

- اول اوت ۲۰۰۶ در فستیوال تئاتر Figeac

- ۱۷ سپتامبر در فضای تئاتر جشن اومانیته (این جشن سالانه که روزنامه اومانیته برگزار می کند، امسال در روزهای ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ سپتامبر در پارک بزرگ La Courneuve برپا ست).

- ۱۴ اکتبر در Pont-de-Claix در چارچوب برنامه های هنری «بزرگداشت بازیگر»...

همچنین طرحی در دست بررسی ست تا طی سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ این نمایشنامه به صورت پیاپی در چندین شهر به اجرا درآید. تصمیم به اجرای طرح در پاییز امسال گرفته خواهد شد. این قرائت نمایشی (یا روخوانی) که ابتدای امر برای یک بار اجرا در نظر گرفته شده بود، دارد به صورت یک نمایش کامل در می آید و آرزوی من این است که این نمایش عمر درازی داشته باشد.

(برگرفته از نشریه Rouge به تاریخ ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۶)

نمایشنامه «مارکس و بازگشت او» را می توانید به فارسی (ترجمه تراب حق شناس و حبیب ساعی) روی سایت اندیشه و پیکار [peykarandeesh.org](http://www.peykarandeesh.org) بیابید و به اجرای روخوانی آن در سایت: «تنها صدا است که می ماند» گوش فرادهید: <http://www.paya.se>
